

داود الهامی

ارزش کار در اقتصاد اسلامی و معنی استثمار

انسان اجتماعی آفریده شده و باید در اجتماع زندگی کند و به تنهایی نمی تواند تمام نیازمندیهای خود را فراهم آورد، چون انسانها در بقای شخص و نوع به یکدیگر نیاز دارند و رسیدن انسان به کمال و حرکت در مسیر رسیدن به کمال بدون بقاء امکان پذیر نیست بنابراین رسیدن به کمال منوط به تعاون با یکدیگر است.

مرحوم علامه طباطبائی

می نویسد: انسان برای رفع نیازمندیهای خود از همه چیز استفاده می کند، در راه وصول به مقاصد خود از بساطت و

مركبات زمین کمک می گیرد. اقسام نباتات و درختها را از برگ و میوه آنها گرفته تا ساقه و ریشه و انواع حیوانات و محصولات وجود آنها را به مصرف نیازمندیهای خود می رساند و همه را استخدام نموده از فوائد وجود آنها بهره برده و نواقص خود را آنچه به دست آورده تکمیل می کند، آیا انسانی که حالش این است و هرچه پیدا می کند در راه منافع خود استخدام نموده از نتایج وجودش استفاده می کند وقتی که به هموعان خود رسید، احترام گذاشته رویه ای دیگر پیش خواهد گرفت و از راه

صفا دست تعاون و همکاری به سوی آنها دراز کرده و در راه منافعشان از بخشی از منافع خود چشم خواهد پوشید؟ نه هرگز.

بلکه انسان از یک طرف نیازمندیهای بی شمار خود را که هرگز به تنهایی از عهده برآوردن همه آنها در نخواهد آمد، حس می کند و امکان رفع بخشی از آن نیازمندیها را به دست هموعان دیگر خود درک می نماید و از طرف دیگر مشاهده می کند که نیروئی که وی دارد و آرزوها و خواستهائی که در درون وی نهفته است دیگران نیز که مانند وی انسان هستند و چنانکه از منافع خود دفاع می کند و چشم نمی پوشد دیگران نیز همین حال را دارند.

اینجاست که اضطراراً به تعاون اجتماعی تن می دهد و مقداری از منافع کار خود را برای رفع نیازمندی خود به دیگران می دهد و در مقابل آن مقداری که برای رفع نیازمندیهای خود لازم دارد، از منافع کار دیگران دریافت می کند و در حقیقت وارد یک بازار داد و

ستد عمومی می شود که پیوسته سرپاست و همه گونه لوازم زندگی در آن به فروش می رسد. و در نتیجه محصول کار جامعه روی هم ریخته می شود و هریک از افراد به حسب وزن اجتماعی خود یعنی به مقدار ارزش کاری که به جامعه می دهد از محصول نامبرده سهم می برد و با سهمی که برده نیازمندیهای زندگی خود را رفع می نماید (۱).

اموال و کالاها و خدمات از نظر نوع و از نظر شدت و ضعف احتیاج به آنها و از نظر قلت و کثرت وجود کالا و از نظر ارزش تفاوت دارند و برای اینکه استثمار تحقق پیدا نکند بدین منظور پول به عنوان حاکم عادل بین مردم وضع شد و دو وظیفه مهم به آن محول گردید:

۱ - وظیفه مبادله.

۲ - وظیفه حفظ ارزشها.

ولذا کار با مزد رابطه دارد و مزدی که برای انجام کاری معین می شود باید عادلانه و از لحاظ ارزش برابر باشند اگر این میزان در قراردادهای خصوصی بسته به تراضی طرفین است و بدیهی است که طرفین نباید همدیگر را اغفال

قرادادهای اقتصادی عبادت به حساب می آید (۲).

مزد و اجرتی که برای انجام کاری معین می شود، علاوه بر اینکه بایستی عادلانه باشد، باید تمام آن بلافاصله بعد از پایان کار به کارگر پرداخت شود و طبق توصیه های اسلامی بیش از آنکه عرق پشانی کارگر خشک شود، بایستی مزد او پرداخت شود.

چنانکه رسول خدا - ص - فرمود:

اعطوا الاجیر حقّه قبل ان یجفّ عرقه (۳).

مزد کارگر را قبل از اینکه عرق بدنش خشک شود، پرداخت کنید.

در تعالیم اسلامی از اینکه دستمزد کارگر به طور شایسته و عادلانه و به موقع پرداخت نگردد شدیداً انتقاد شده است. تا جایی که پیامبر خدا از چنین کارفرمایی به عنوان دشمن خود در روز قیامت، یاد کرده و او را در ردیف جنایتکاران و کسی که به فروش انسان می پردازد، قرار داده است آنجا که فرموده:

کنند و از بی خبری یکی از آنان، طرف دیگر در تضییع حقش سوء استفاده نماید، بلکه طبق روح کلی اسلامی لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ هرکس باید به حق خود برسد.

بعد از انعقاد قرارداد انجام کار، کارگر به مزد به موجب قرارداد صاحب حق شناخته می شود و بعد از اینکه آن کار را انجام داد، حق تصرف در مزد و اجرت عادلانه خود را دارد. اگر کارفرما از کارگری مثلاً ۱ ساعت کار بکشد ولی مزد ۶ ساعت را بدهد و یا برعکس کارگری پول ۱ ساعت کار را بگیرد ولی ۶ ساعت کار تحویل بدهد، این یک نوع استثمار انسان از انسان است و شرعاً محکوم می باشد.

و یا در مبادله کالا باید ارزش کالاها برابر باشند و اگر کسی کم بدهد و زیاد بگیرد به اصل کار مساوی در مبادله احترام نگذاشته و سبب می شود در جامعه عدالت اقتصادی از بین برود و خرابی اقتصادی جامعه را بگیرد و در اسلام انصاف در معاملات، استقرار عدل در مبادلات و انجام عادلانه

دستمزدش ظلم کند، تمام اعمال او را خداوند حبط می‌کند و از بهشت محروم می‌سازد.

ارزش کار معنوی

در مکتبهای اقتصادی شرق و غرب ارزش کار به اندازه پولی است که کارگر بابت آن دریافت می‌کند، یعنی ارزش کار را میزان پولی تشکیل می‌دهد که انسان در ازای آن می‌گیرد، بنابراین هرکس بیشتر پول می‌گیرد ارزش کارش بیشتر است در حقیقت در این نظام کار به پول و انسان به ماشین تبدیل می‌شود.

ولی در بینش اسلامی کار انسان غیر از این است و ارزش کار به اندازه پولی که بابت آن دریافت می‌کند، نیست بلکه به اندازه حسن نیتی است که در انجام آن به کار برده است. پس برای ارزیابی ارزش کار یک فرد با ایمان دو ضابطه وجود دارد: ضابطه اولی، ارزش مادی کار او را میزان پولی تشکیل می‌دهد که به عنوان دستمزد به او می‌پردازند. ضابطه دوم: ارزش معنوی کار اوست که قابل اندازه‌گیری با پول و

ثلاثة انا خصمهم يوم القيامة.. رجل اعطى بي ثم غدر و رجل باع حراً فاكل ثمنه و رجل استأجر اجيراً فاستوفى منه ولم يوفه اجره (۴).

سه کسی را در روز قیامت دشمن دارم:

۱ - کسی که انجام تعهدی از من بپذیرد و در آن خیانت کند.

۲ - کسی که روی انسان آزاد معامله کند و بهای آن را بخورد.

۳ - کسی که از ادای حقوق کامل کارگری که او را اجیر کرده، استنکاف نماید و دستمزد کامل او را ندهد.

و در روایت دیگر این نسبت به خداوند داده شده است و فرموده:

قال الله تعالى ثلاثة انا خصمهم يوم القيامة رجل اعطى بي ثم غدر، و رجل باع حراً فاكل ثمنه و رجل استأجر اجيراً فاستوفى منه ولم يعطه اجره (۵).

و در روایت دیگر از پیامبر اکرم - ص - نقل شده است که فرمود:

من ظلم اجيراً اجره احبط الله عمله و حرم عليه ربح الجنة (۶).

کسی که به کارگری در دادن

مادیات نیست و در رابطه با خدا انجام می دهد و از این لحاظ میدان عمل تا بی نهایت باز است.

آری این دوتا بینش است: انسان مادی دیدی دارد و برآن اساس عمل می کند، او نمی تواند مایورای این ماده را ببیند. و انسان با ایمان دید دیگری دارد و طبق آن انجام وظیفه می کند و عمل مادی را تبدیل به امر معنوی می نماید و لذا ممکن است دو نفر کارگر که مزد مساوی دریافت می کنند از لحاظ اجر و مزد معنوی باهم تفاوت زیاد داشته باشند، اگر کسی به جنبه معنوی کار خود توجه داشته باشد، کار او بسیار ارزش پیدا می کند و زندگیش از بی روحی و خستگی و حاکمیت زور بیرون می آید و معنویاتی را جستجو می کند که برای غنای او کافی هستند و لذا در اسلام به نیت و انگیزه کار پیش از خود کار، ارزش و بهاء داده شده است تا آنجا که محور و قانون ارزش عمل و رفتار هرکسی بر قصد و نیت و طرز جهت گیری او مبتنی است و براساس همین قصد و نیت است که اعمال و رفتار انسان گاهی مانند کوزه

شکسته ای فاقد ارزش و اعتبار می شود و گاهی نیز همین اعمال در ظل نیت صحیح و جهت یابی درست والهی، آنچنان دارای ارزش و اعتبار می گردد که نمی توان آن را به علت گرانیابی، ارزیابی کرد و گاهی نیز عمل انسان به صورت وزر و وبالی بر دوشش سنگینی می کند.

پیامبر اکرم - ص - در اهمیت خلوص نیت می فرماید:

انما الاعمال بالنیات وانما لكل امرء ما نوى، فن كان هجرته الى الله ورسوله فهجرته الى الله ورسوله ومن كان هجرته الى دنيا يصيبها او امرأة ينجكها فهجرته الى ما هاجر اليه (۷).

ارزش اعمال به نیت آن است و کار برد سو و عوائد اعمال هر انسان به نیت او وابسته است، اگر کسی راه وصول به رضای و رسولش را پیش گیرد در حقیقت به سویی مقصد الهی و هدفی انسانی، کوچ و هجرت کرده است ولی اگر هجرت او به سوی دنیا انجام گیرد به دنیائی که می خواهد و به آن دست یابد و یا می خواهد از رهگذر هجرت خود به

عبادی (۱۱).

اخلاص و پالایش قصد و نیت یکی از اسرار من می باشد که در دل بندگان خویش به ودیعت نهاده ام.

بدین ترتیب مسأله کار در تعلیمات اسلامی با دید خاص مورد توجه قرار گرفته است. یعنی علاوه بر ارزش دادن به کار و قدردانی کامل از کارگر، یاد آور شده است که نیت و انگیزه اصلی کار تنها نباید رفع نیاز شخصی باشد، بلکه پذیرفتن کار باید هم به منظور رفع نیازهای زندگی و ایجاد حالت بی نیازی از نظر اقتصادی از سایرین، و هم به قصد خدمتی به دیگران باشد با این هدف و نیت کارگر با ایمان چون در رابطه با خداست امر مادی را به معنویت برمی گرداند.

بدین جهت ارزش کار او با پول اندازه گیری نمی شود و پولی که از این بابت می گیرد ارزش واقعی کار او نیست و لذا کار او بالاترین عبادت شمرده شده است و در ردیف جهاد که بالاترین وارزنده ترین تکلیف انسانی و اسلامی است و کارگر به عنوان مجاهد راه خدا

تمایلات جنسی خویش دامن زند و از وجود جنس زن بهره مند شود، هجرت او به همان هدفهای کم ارزش تنزل خواهد یافت و این حدیث شریف از اصول بنیادی اسلام و یکی از پایه ها و بلکه نخستین استوانه های تعالیم مقدس اسلام است.

در روایت دیگر پیامبر اکرم - ص - فرمود: نية المؤمن خير من عمله (۸) نیت درونی مؤمن از کار و عملش بهتر و پرارزش تر است و در مضمون دیگر آمده است نية المؤمن ابلغ من عمله (۹) نیت مؤمن از عمل او رساتر و کارآمدتر است.

و در روایت دیگر فرمود:

انما يبعث الناس على نياتهم (۱۰).

مردم برحسب ارزشها و اعتبار نیت و اراده خود، در روز قیامت محشور می شوند.

پیامبر گرامی به نقل از جبرئیل و او از خداوند - عزوجل - چنین آورده که فرموده است:

الاخلاص سر من اسراری
استودعته قلب من احببت من

وگاهی برتر از آن به حساب آمده است

امام صادق-ع- فرمود:

الكاذب على عياله كالمجاهد في

سبيل الله (۱۲).

کسی که در طلب روزی خانواده

خود کار می کند مانند جهادگری است

که در راه خدا جهاد می کند.

امام رضا-ع- فرمود:

ان الذي يطلب من فضل يكف به

عسالة اعظم اجراً من المجاهد في

سبيل الله (۱۳).

آن کس که برای تأمین معاش عائله

خود تلاش می کند، اجرش از مجاهد در

راه خدا بزرگتر است.

پاورقیها:

۱ - علامه طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۱۱۰

- انتشارات طلوع.

۲ - نظریات اقتصادی خواجه نصیر الدین

طوسی، به نقل تاریخ اندیشه های اقتصادی

در جهان اسلام، ص ۲۶۶.

۳ - کنز العمال، ج ۳، ص ۹۰۷ - ۹۱۲۶.

۴ - کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹ و ۲۸

ح ۴۳۷۹۳.

۵ - بحار، کتاب الاجاره، ج ۳، ص ۱۱۸

کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۶، ح ۴۳۸۲۶.

۶ - مکارم الاخلاق، ص ۴۲۸ - سفینه البحار،

ج ۱، ص ۱۲.

۷ - منیه المريد، ص ۳۹، چاپ قم - سنن ابن

ماجه، ج ۲، باب ۲۶، ص ۱۴۱، حدیث

۴۲۲۷.

۸ - اصول کافی، ج ۲، ص ۶۹ حدیث ۲

امالی طوسی، ج ۲، ص ۶۹.

۹ - اصول کافی، ج ۲، ص ۶۹ حدیث ۲

امالی طوسی، ج ۲، ص ۶۹.

۹ - مدرک قبل.

۱۱ - منیه المريد، ص ۳۹.

۱۲ - کافی، ج ۵، ص ۸۸.

۱۳ - تحف العقول، ص ۶۶۵.